



محدودیت‌های آزادی بیان در حقوق بین الملل

حجت اله قاعدی بارده

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه آزاد واحد بین الملل قشم

dr.h.qaedi@gmail.com

چکیده

اصل آزادی بیان در اسناد بین المللی انعکاس وافر داشته است و از این حق، که به منزله ی یکی از مهم ترین حقوق و آزادی های بنیادین نوع بشر می باشد، به کرات در اسناد بین المللی یاد شده است. آزادی بیان در تمام دنیا به صورت مطلق نمی باشد و هر کشور و هر قومی برای آزادی بیان محدودیت هایی لحاظ می نماید. به تعبیر بهتر می توان گفت اصولی که بتوان به صورت مطلق آن را تأیید کرد، به ندرت یافت می شود. درباره آزادی بیان نیز چنین اعتقادی وجود دارد. جان استوارت میل که تحولی اساسی در لیبرالیسم ایجاد کرد؛ آزادی مطلق را نمی پذیرد و در صورت تحریک آمیز بودن آن را مشروع نمی داند. وی در این باره می نویسد: «وقتی اوضاع و شرایطی که عقاید در آن ابراز می گردد، چنان باشد که اظهار عقیده را به صورت نوعی تحریک برای انجام کاری، مخل مصالح مشروع دیگران در آورد، آن وقت حتی اظهار عقاید هم مصونیت خود را از دست می دهد». مقاله حاضر با هدف شناخت محدودیت‌های آزادی بیان در حقوق بین الملل به روش توصیفی کتابخانه ای به انجام رسید.

واژگان کلیدی: محدودیت، آزادی بیان، حقوق، بین الملل



مقدمه:

حق آزادی بیان یکی از اساسی ترین و بنیادی ترین حقوق بشری به حساب می آید. این حق ذاتی انسان است و در حقیقت ((انسان بما هو انسان)) را شامل می گردد.

این حق از زمان خلقت انسان بوجود آمده و تا پایان حیات انسان بر روی این کره خاکی نیز پا برجا خواهد بود. وظیفه ی دولت ها در این بین تنها شناسایی این حق و ایجاد بستر هایی برای تضمین این حق است، بدین مفهوم که تعهد دولت ها در این باب، تنها جنبه ی سلبی نداشته، بلکه ایجابی نیز هست.

آنچه در ابتدا باید مشخص گردد، ذکر یک تعریف ثابت و معین در باب حق و آزادی است از نظر توماس هابز حق به معنای آزادی انجام و یا عدم انجام یک عمل است آزادی نیز دارای دو جنبه منفی و مثبت است:

جنبه ی منفی آن به نبود مانع و امکان بهره برداری از حقوق شخصی اشاره دارد و جنبه ی مثبت آن توانایی انسان در بهره مندی از آنچه عدالت طرح می کند را مورد نظر قرار می دهد. (احمدی و خادم پور، ۱۳۹۴)

«آزادی بیان را نمی توان از آزادی عقیده و آزادی مذهب و دین تفکیک نمود زیرا فکر و اندیشه بدون سخن و بدون ابراز آن ارزشی ندارد.» دین اسلام به عنوان یک دین الهی، شامل احکام بسیاری در جهت تأیید حق آزادی بیان است. احکامی که علاوه بر آن جنبه ی سلبی یعنی احترام به این حق، جنبه ی ایجابی آن را نیز شامل می گردند و تضمین این حق را نیز در بر می گیرند.

اما باید بیان نمود که دین اسلام این آزادی بیان را بدون قید و بند و محدودیت نمی داند. برای مثال ارتداد و یا غیبت و توهین و مسخره کردن و افشا اسرار و عیوب دیگران را از عوامل محدود کننده این حق بر می شمرد.

علاوه بر این حق آزادی بیان در ایران باستان و یونان باستان نیز مورد شناسایی قرار گرفته بوده است.

پس می توان چنین نتیجه گرفت که شناسایی و وجود این حق سابقه ای، بس طولانی داشته و آنچه همواره محل اختلاف بوده و هست، حدود این حق و آزادی و قلمرو اجرای آن است.

آزادی بیان تنها به معنای آزادی کلام و سخن نیست بلکه ابعاد دیگری همچون: حق دسترسی به اطلاعات، حق دسترسی به تکنولوژی ها جدید اطلاع رسانی از جمله اینترنت، حق دسترسی به ماهواره، حق آزادی بیان در قالب آثار ادبی و هنری، حق آزادی مطبوعات و تبلیغات تجاری، را نیز شامل می گردد.

حق آزادی بیان در بسیاری از اسناد بین المللی جهانی و منطقه ای حقوق بشر، به وفور انعکاس یافته است. از جمله بند ۶ ماده ۷۶ منشور در سطح جهانی و همچنین کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سطح منطقه ای.

در قانون اساسی ایران نیز از جنبه ای مختلف آزادی اندیشه و بیان به انحاء مختلف، حمایت به عمل آمده است از جمله: آزادی بیان بطور کلی_ بند ۲ اصل ۲۳، آزادی مطبوعات اصل ۲۴، آزادی ابراز جمعی عقاید اصل ۲۶ و ۲۷، آزادی عدم انتخاب عقیده اصول ۲۳ و ۲۶، آزادی دریافت اطلاعات اصل ۲۵.

در واقع وجود اصل ۲۴ در ذیل اصل ۲۳ بیانگر این مطلب است که: قانون اساسی در اصل ۲۳، از اصل آزادی بیان حمایت کرده و در اصل ۲۴ یکی از مصادیق مهم این اصل را که همان آزادی بیان از طریق مطبوعات است را ذکر نموده است.

این حق در قانون اساسی در قالب یک نظام تنبیهی اعمال گردیده است بدین معنا که افراد تنها در یک چارچوب خاص، در بیان عقاید و اندیشه های خود آزاد هستند بر خلاف نظام بازدارنده که در آن گرفتن مجوز از مقامات اداری قبل از بیان، لازم و ضروری می نماید در قانون مطبوعات بر خلاف قانون اساسی از نظام بازدارنده استفاده گردیده و گرفتن مجوز قبل از انتشار ضروری قلمداد گردیده است. بسیاری از دولت ها با استناد به اعلامیه بودن اعلامیه جهانی حقوق بشر، از رعایت قواعد آن سر باز زده اند، بی توجه به اینکه اکنون این اعلامیه جنبه ی قاعده عرفی پیدا کرده و رعایت آن بر همگان واجب است.

در قلمرو اجراء همواره برای این حق محدودیت هایی در نظر گرفته شده و هیچگاه در هیچ مکتبی این حق بطور مطلق در نظر گرفته نشده است. چرا که در بسیاری از موارد تضمین یک حق متضمن از بین بردن حق مهم تری از دیگران می شود و در چنین مواردی رعایت آن ضروری نیست.

از جمله این محدودیت ها می توان به: مطابقت با قانون یا اصل قانونی بودن محدودیت های آزادی بیان، رعایت نظم و اخلاق عمومی، رعایت حقوق و حیثیت دیگران، رعایت امنیت ملی، اشاره کرد.



آزادی اندیشه و بیان یکی از آزادی های اساسی است که از دیدگاه های مختلف مذهبی، فلسفی، اجتماعی، اخلاقی، حقوقی و بین المللی مورد بحث و بررسی واقع شده و در قوانین داخلی و اسناد و پیمان های بین المللی انعکاس یافته و مورد حمایت قرار گرفته است. فلاسفه و اندیشمندان بزرگی همچون کانت، هگل، هابز، لاک، روسو، ولتر، هوگو، پوپر و سارتر هر کدام با نگرش، برداشت و تعریف خود از «آزادی» و «حق» گام های بزرگی را در شکل گیری و تکامل مفهوم حق آزادی بیان و اندیشه برداشته اند. جان استوارت میل می گوید: "اگر همه انسانها یکسان بیندیشند و تنها یک تن با نظر همه مخالف باشد، کار عموم در خاموش کردن اجباری آن یک تن به همان اندازه نارواست که اگر او قدرت داشت و نوع بشر را به زور خاموش می کرد. (میل، ۱۳۶۳: ۱۵)

مفهوم آزادی و آزادی بیان

آزادی به مفهوم رهایی و از سوی دیگر به مفهوم توانمندی در استفاده مطرح می شود و در یک تقسیم بندی، گاهی آزادی به دو نوع منفی و مثبت تقسیم می شود که آزادی منفی به معنای رهایی از منع ها، زنجیرها و ... است یا به معنای نبودن مانع بر سر راه تحقق حقوق بشر است و آزادی در مفهوم مثبت به معنای توانایی انسان در بهره مندی از زندگی و آنچه عدالت طرح می کند است؛ یعنی دسترسی مادی به منابع و امکانات؛ بنابراین آزادی بایستی در دو مفهوم منفی و مثبت خود تحقق یابد؛ یعنی نبایستی اولاً موانعی باشد برای تحقق آزادی و از سوی دیگر بایستی همگی دسترسی مساوی به منابع و امکانات جهت ابراز آزادی را داشته باشند. آزادی بیان نیز در پرتو مفهوم آزادی امری بدیهی است و در اسناد مهم بین المللی مانند منشور ملل متحد و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز مورد توجه و شناسایی قرار گرفته است و به مفهوم توانایی و نبودن موانع برای ابراز دیدگاه های اشخاص است و به زبان گویاتر آن که شخصی بتواند هدف های خویش را آزادانه بیان نماید. (احمدی و خادم پور، ۱۳۹۴)

آزادی بیان در قوانین و مقررات بین المللی

اگر چه اصطلاح آزادی بیان صراحتاً در منشور ملل متحد ذکر نشده است ولی اهمیت این نوع آزادی از بدو شکل گیری سازمان ملل متحد، مورد توجه بوده است. بحث هایی که در کنفرانس سانفرانسیسکو در این ارتباط صورت پذیرفته بود حاکی از اهمیت برجسته این حق، از بین سایر حقوق اساسی بشر است. در قطعنامه SG، مجمع عمومی در نخستین اجلاسش در سال ۱۹۴۶ میلادی اعلام کرد که آزادی بیان جزئی از حقوق اساسی بشر و سر منشاء تمامی حقوقی است که سازمان ملل متحد بر آن تکیه کرده است. به علاوه مجمع عمومی از شورای اقتصادی و اجتماعی (ECOSOC) خواست تا کنفرانسی در این زمینه برگزار کند. کنفرانس مزبور از تاریخ ۲۳ مارس تا ۲۱ آوریل تشکیل گردید و پیش نویس سه کنوانسیون ارائه گردید:

۱- کنوانسیون در زمینه جمع آوری و انتقال اطلاعات،

۲- در زمینه ایجاد یک حق بین المللی ویرایش،

۳- آزادی اطلاعات.

در منشور ملل متحد به صورت دقیق به موضوع آزادی بیان اشاره ای نشده است اما در نهایت، اعلامیه جهانی حقوق بشر این حق را به رسمیت شناخته است؛ البته با توجه به نکاتی که گفته شد به وضوح متوجه می شویم که در کنوانسیون به حق آزادی عقیده و آزادی بیان توأمان اشاره شده است؛ یعنی رابطه آزادی بیان و آزادی عقیده به گونه ای است که این توجه به آنها به صورت توأمان صورت گرفته است. آزادی عقیده در واقع پایه آزادی بیان است؛ یعنی اساساً مگر می توان گفت کسی از نظر عقیده آزادی ندارد؟ به این جهت که عقیده امری درونی است؛ بنابراین آزادی عقیده بدون آنکه ابراز و به تعبیر دقیق تر بیان نشود امری بی اثر و بدون خطر است. به عبارت دیگر آزادی عقیده بدون وجود دارد و بایستی در این موضوع به منع تفتیش عقیده توجه شود و نه به صرفاً آزادی عقیده چه آنکه از طریق تفتیش عقاید با وسیله بیان، عقاید شخص آشکار می شوند و از این پس قدم در حیطه آزادی بیان گذاشته ایم. در این اعلامیه و در بسیاری مقررات بین المللی نکته جالب توجه اشاره آنها به وجود آزادی بدون توجه عامل مرز است که بایستی به این مسئله حاکمیت داخلی کشورها و بین المللی در صدد تضمین اصلی آزادی بیان فارغ از عامل مرز است و البته جمع این موضوع با مسئله حاکمیت داخلی کشورها و همچنین اصل منع مداخله در امور داخلی کشورها پرسش بی پاسخ و چالش برانگیزی است که پاسخ به آن بسیار دشوار است. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، سند مهم دیگری است که متعاقباً بر حق مزبور تاکید و به طور جامعی آن را اعلام می کند. در ماده ۱۰ کنوانسیون مزبور گفته شده است:

الف) هر کسی دارای حق آزادی بیان است. این حق شامل آزادی داشتن عقیده، دریافت و رساندن اطلاعات و اندیشه، بدون مداخله مقامات دولتی و بدون توجه به ملاحظات مرزی است. این امر مانع از آن نیست که دولت ها کسب مجوز را برای خیرگزاری ها، تلویزیون و شرکت های سینمایی، الزامی نماید. ب) اعمال این آزادی ها از آنجایی که اجرای آن توأم با تکالیف و مسئولیت هایی است، ممکن است



مشروط به تشریفات، شرایط و محدودیت ها یا مجازات هایی شوند که قانونی باشد و در چارچوب یک جامعه مردم سالار به نفع امنیت ملی، تمامیت سرزمینی یارفاه عمومی، جهت ممانعت از بهداشت یا اخلاق و بی طرفی قوه قضاییه، ضرورت داشته باشد». بعد از کنوانسیون مذکور، سند مهم دیگری که بدین حق پرداخته، می توان به میثاق بین المللی حقوقی مدنی و سیاسی اشاره کرد. ماده ۹۱۴ میثاق مزبور ابراز می دارد: «هرکس از حق آزادی عقیده و بیان بدون هیچ گونه مداخله ای برخوردار است. این حق مشتمل بر آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و اندیشه ها از هر نوع، خواه شفاهی، کتبی، چاپ یا به صورت هنری یا به وسیله دیگر فارغ از ملاحظاتی مرزی است». در اسناد منطقه ای علاوه بر کنوانسیون اروپایی که بدان اشاره شد، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت ها نیز چنین حقی را به رسمیت شناخته اند.

محدودیت های بین المللی آزادی بیان

ترغیب به جرایم بین المللی

حقوق بین الملل عرفی و نیز اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، اعمالی نظیر تجاوز، نسل کشی، جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی را از جمله شدیدترین جرایم بین المللی ناقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه برمی شمارد که باید در چهارچوب رژیم حقوق کیفری بین المللی - علاوه بر نظام های حقوقی داخلی - تحت تعقیب و مجازات قرار گیرد. ممنوعیت پروپاگاندا برای جنگ که در ماده ۲۰ میثاق به آن تصریح شده، مرتبط با منع تهدید یا توسل به زور در روابط بین المللی است که از اصول اساسی منشور ملل متحد به شمار می رود. بند ۲ ماده ۲۰ نیز که دعوت به تنفر ملی، نژادی یا مذهبی محرک تبعیض، مخاصمه یا اعمال زور نیز در همین راستا معنا می شود. کمیته حقوق بشر بیان می کند که اجرای مواد ۱۹ و ۲۰ میثاق به یکدیگر وابسته است و محدودیت های مندرج در ماده ۲۰ با بند ۳ ماده ۱۹ نیز منطبق است. (بند ۵۰ نظریه ۳۴) همچنین دولت ها باید محدودیت های قانونی مناسب را برای اجرای ماده ۲۰ وضع نمایند. یکی دیگر از جرایم بین المللی تبعیض نژادی است. ماده ۴ کنوانسیون منع تبعیض نژادی (۱۹۴۵) بیان می کند که دولت ها باید نشر افکار مبتنی بر تفوق یا تنفر نژادی، تحریک به تبعیض نژادی، اعمال زور یا تحریک به زور علیه هر نژاد را قانوناً جرم انگاری و قابل مجازات بدانند. از آنجا که تبعیض نژادی بعضاً به نسل کشی منجر می شود، چنین مقرره ای را می توان گونه ای پیشگیری و مقابله با تحریک به نسل کشی نیز قلمداد نمود. ماده ۳ کنوانسیون منع و مجازات آپارتاید (۱۹۷۳) نیز تحریک به جنایت آپارتاید را موجد مسئولیت جزایی بین المللی دانسته است. آپارتاید (تبعیض نژادی) به عنوان جنایت علیه بشریت در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی نیز قرار دارد. مطابق ماده ۳ کنوانسیون جلوگیری از نسل کشی نیز تحریک مستقیم و علنی برای ارتکاب نسل کشی را قابل مجازات دانسته است. بنابراین در چهارچوب مقررات بین المللی فوق، بعضی اظهارات ممکن است موجب مسئولیت کیفری بین المللی فرد شود. گرچه اساسنامه دیوان کیفری بین المللی مواردی نظیر تحریک به جرایم را از صلاحیت خود خارج ساخته است اما امکان اعمال صلاحیت جهانی دولت ها نسبت به جرایم عرفی و قراردادی فوق منتفی نیست.

حریم خصوصی

حمایت از حریم خصوصی سبب می شود افشای اطلاعات مربوط به زندگی خصوصی افراد، ممنوع شود و متقابلاً آزادی بیان و حمایت از منافع عمومی گاه اقتضا دارد چنین اطلاعاتی منتشر گردد! بنابراین آزادی بیان در عرصه عمومی معنا می یابد و حریم خصوصی در عرصه خصوصی. شاید به همین علت است که بند ۳۸ نظریه شماره ۳۶ تأکید دارد توهین به مقامات سیاسی نباید موجب مجازات شود، هر چند مقامات سیاسی نیز از شرایط میثاق بهره مند می شوند. به هر حال اشخاص حق دارند که مقامات عالی رتبه سیاسی را در معرض نقد یا مخالفت سیاسی خود قرار دهند. حریم خصوصی برای چنین اشخاصی، محدوده کوچکتری دارد که به عرف بستگی دارد. همانطور که اشاره شد مطابق بند ۳ ماده ۱۹ میثاق نیز یکی از موارد محدودیت آزادی بیان و اطلاعات، رعایت «احترام حقوق یا حیثیت دیگران» است که در بند ۱۸ نظریه شماره ۳۴ به آن تصریح شده است و مبنای اساسی آن منطوق ماده ۱۷ میثاق است که به موجب آن «هیچ کس نباید در زندگی خصوصی ... و مکاتبات خود مورد مداخلات خودسرانه یا خلاف قانون قرار گیرد». کمیته حقوق بشر در نظریه عمومی شماره ۱۶ خود که به ماده ۱۷ میثاق اختصاص یافته، اشاره صریحی به ارتباط این ماده و ماده ۱۹ ندارد.



بند ۱۸ نظریه عمومی شماره ۳۴ بر حق دسترسی به اطلاعات نزد نهادهای عمومی تصریح دارد، یعنی همه اطلاعات نهادهایی که خدمات عمومی را انجام می‌دهند مشمول این آزادی می‌شوند، نه فقط نهادهایی که رسماً و قانوناً «دولتی» محسوب می‌شوند. همچنین با در نظر گرفتن ماده ۱۷ میثاق درباره حریم خصوصی، هر شخصی باید بتواند تعیین کند که چه اشخاص یا مقامات دولتی یا خصوصی می‌توانند پرونده‌های وی را کنترل کنند. چنانچه اطلاعات این پرونده‌ها نادرست یا خلاف قانون باشد، اشخاص ذیربط حق دارند تصحیح آنها را بخواهند. نیز طبق ماده ۱۰ میثاق، زندانیان حق دسترسی به سوابق پزشکی خود را از دست نمی‌دهند. در زمینه حریم خصوصی زندانیان به طور ویژه می‌توان به نظریه عمومی شماره ۳۲ کمیته مراجعه نمود.

توهین به ادیان

مسئله توهین به ادیان پس از انتشار کتاب «آیات شیطانی» و سپس با کاریکاتورهای دانمارکی به یکی از جنجال‌های حقوقی مربوط به آزادی بیان تبدیل شد. به علاوه بعضی اقدامات نمایشی برای هتک حرمت قرآن کریم که گونه‌ای از ابراز عقیده به شمار می‌رود، این جنجال را توسعه داد. با وجود آن که هیچ مقرره خاصی درباره توهین به ادیان یا مقدسات مذهبی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد، بعضی دولت‌ها مثل ایران تلاش می‌کنند جامعه بین‌المللی را نسبت به ضرورت انعقاد معاهده‌ای در این زمینه آگاه سازند. به خصوص از سال ۱۹۹۹ به بعد به پیشنهاد سازمان کنفرانس اسلامی، قطعنامه‌هایی در زمینه توهین به ادیان در مجمع عمومی و کمیته رفع تبعیض نژادی به تصویب رسیده است که اغلب از حمایت کشورهای در حال توسعه برخوردار بوده و با مخالفت دولت‌های غربی مواجه شده است. تعریف دین نیز یکی از اختلافات مطرح در جریان تدوین چنین اسنادی بوده است. بند ۴۸ نظریه شماره ۳۴ کمیته حقوق بشر به این موضوع اختصاص یافته و قوانین مربوط به توهین مذهبی را مغایر آزادی بیان دانسته مگر در مواردی که مشمول بند ۲ ماده ۲۰ میثاق باشد. بعضی حقوقدانان نیز با توسل به مفاد عام میثاق چنین رفتارهایی را ممنوع می‌دانند. البته تحلیل این حقوقدانان عمدتاً بر مبنای کارکرد و اثر چنین بیاناتی استوار است و نه ذات این رفتارها. (مه‌پور، ۱۳۷۰)

آزادی بیان در صورتی که با سایر حقوق و حتی حیثیت دیگران در تقابل باشد می‌تواند محدود گردد اما آزادی ابراز مذهب تنها زمانی می‌تواند محدود شود که با حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران در تقابل باشد. از سوی دیگر همانگونه که مشاهده می‌شود زمینه‌های محدودیت آزادی بیان بسیار گسترده‌تر از محدودیت‌های وارد بر آزادی ابراز مذهب می‌باشد. در اینجا شاید اشاره‌ای دیگر به حوزه‌های هم‌پوشانی آزادی مذهب و آزادی بیان بی‌مناسبت نباشد و آنکه با توجه به اینکه یکی از انواع آزادی ابراز مذهب از طریق بیان می‌باشد بنا به نظر کمیته حقوق بشر در تفسیر ماده ۱۸ «با عنایت به ماده ۲۰ میثاق هیچ‌گونه ابراز مذهب نمی‌بایست مصداق تبلیغ برای جنگ و یا دعوت (ترغیب) به کینه ملی، نژادی و یا مذهبی که محرک تبعیض، خصومت و یا خشونت است قرار گیرد.» بنابراین هیچ‌کس نمی‌تواند به بهانه پیروی از دستورات مذهبی یا برای ابراز عقاید خود، نسبت به سایر افراد و یا پیروان سایر مذاهب اظهارات تنفر آمیز که محرک تبعیض، خشونت و یا خصومت باشد ابراز نمایند. در ارتباط با بند ۲ ماده ۲۰ میثاق و ماده ۴ کنوانسیون منع اشکال تبعیض نژادی کشورهای چون افریقای جنوبی، نیوزیلند، استرالیا، کانادا، انگلستان، کشورهای اسکاندیناوی و حتی دانمارک اظهاراتی که ترغیب به تنفر ملی یا نژادی یا مذهبی نماید باعث تحریک به تبعیض و یا دشمنی و خشونت گردد را جرم تلقی می‌کنند. با این حال، به جهت کارکردگرایی این محدودیت، مدعی است که باید اثبات نماید بیانات اظهار شده به ترغیب کینه و تنفر می‌انجامد و عملاً در بسیاری از موارد به دلایل فرهنگی، در کشورهای اروپایی چنین معیاری به دست نمی‌آید؛ مگر آن که مسئله ترغیب به کینه و تنفر در ابعادی جهانی مطرح شود که این هم به سبب درونگرایی معمول نظام‌های قضایی به ندرت حاصل می‌شود.

حمایت از مالکیت فکری

مالکیت فکری شامل حقوق ناشی از ابتکارهای ادبی-هنری و صنعتی است که از نیمه دوم قرن نوزدهم به تدریج از حمایت بین‌المللی (ابتدا در معاهدات دوجانبه) نیز برخوردار شد. کنوانسیون ۱۹۸۸ برن، کنوانسیون ۱۹۵۱ کپی رایت و کنوانسیون تریپس ۱۹۹۴ از جمله مهمترین معاهدات عام در این زمینه هستند. همچنین بند یک ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با تکرار بند ۲ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق هر کس را برای «بهره‌مند شدن از حمایت منافع معنوی و مادی ناشی از هرگونه اثر علمی - ادبی یا هنری که مصنف (صاحب اثر) آن است» به رسمیت شناخته است. به طور خلاصه می‌توان گفت یک اثر به شرط اصالت (ابتکاری بودن) و صورت محسوس از حمایت بهره‌مند می‌شود. همچنین به طور معمول در صورتی که اثر با حمایت و سفارش شخص دیگری (مثل سازمانها یا رسانه‌ها) پدید آمده باشد، حقوق مادی آن به سفارش دهنده تعلق دارد. حقوق معنوی ناشی از مالکیت فکری شامل حق انتشار، حق



انتساب، حق جلوگیری از انتساب دروغین اثر (معکوس حق انتساب)، حق تمامت یا حرمت اثر، حق عدول یا استرداد می‌باشد. حقوق مادی ناشی از اثر نیز به پدیدآورنده اختصاص دارند از جمله حق تکثیر، عرضه، تعقیب منافع و... . حقوق مادی برخلاف حقوق معنوی فوق قابل نقل و انتقال و موقتی هستند. برخی کشورها مثل انگلستان قوانین جزیی‌تری مثلا درباره رضایت مصاحبه شونده برای پخش مصاحبه تنظیم نموده‌اند و در برخی موارد این مقررات از نوع مقررات انتظامی و حرفه‌ای است. با این حال، مطابق دکترین استفاده منصفانه، استفاده‌های غیرانتفاعی مثل نقد، آموزش غیرانتفاعی و تحقیقات علمی مشمول حقوق مادی فوق نمی‌شوند. حتی علائم تجاری نیز مشمول حقوق مالکیت فکری خواهند بود. بنابراین در مجموع انتظار می‌رود هر رسانه‌ای در فعالیت بین‌المللی خود به حقوق ناشی از مالکیت فکری صاحبان آثار و رسانه‌های دیگر توجه کافی را داشته باشد. البته در فقدان موافقت‌نامه‌های مخصوص، امکان تعقیب بین‌المللی نقض این حقوق وجود ندارد، ضمن این که حدود حمایت بین‌المللی نیز در بسیاری موارد مشمول عرف فعالیت‌های رسانه‌ای است. برای نمونه پخش مستقیم یک مسابقه ورزشی که اجازه پخش آن از طریق مزایده و به طور انحصاری به فروش می‌رسد انحصار را اختیار رسانه خریداری کننده است و سایر رسانه‌ها بدون اجازه رسانه مزبور، حق پخش مستقیم را نخواهند داشت. (جعفری، ۱۳۷۰)

اخلاق حرفه‌ای

اخلاق عمومی به عنوان یکی از محدودیت‌های آزادی بیان، یک معیار ملی است اما روزنامه‌نگاران به این سطح اکتفا نکرده و تلاش نمودند قواعدی فراملی در زمینه اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری تدوین کنند. این قواعد حداقل به طور غیررسمی، رسانه‌ها را به خویشتن‌داری در انتشار بعضی اخبار و اطلاعات، فرامی‌خواند. قواعد اخلاق حرفه‌ای معمولا بیان جزئی‌تر قواعد حقوقی هستند. تدوین قواعد اخلاق حرفه‌ای قاعدتا باید توسط صاحبان حرفه انجام شود. جامعه روزنامه‌نگاران حرفه‌ای (SPJ) در اصول اخلاقی منتشرشده سال ۹۶ بیان می‌کند که تحریف اخبار، جایز نیست. همچنین مناسب است کسانی که نامشان در خبر آمده فرصت اظهارنظر داشته باشند. برای کسب اطلاعات از منابع متعدد استفاده شود. تیرت، عکس و نقل قول به طور گمراه کننده منتقل نشود. ویرایش عکس و فیلم فقط به دلایل فنی باشد و چیزی تحریف نشود. اطلاعات به صورت محرمانه جمع‌آوری نشود و خبرنگاران دزدی ادبی نیز نکنند. تحلیل و یادداشت به طور مشخصی از خبر جدا شود و... به طور کلی از ۱۹۷۰ به بعد تلاش‌های سازمان‌های غیردولتی و یونسکو برای ترویج اخلاق حرفه‌ای جهانی افزایش یافت. این تلاشها بر این مبنا بود که رسانه‌ها نقشی جهانی ایفا می‌کنند و باید مسئولیت این نقش را هم بپذیرند و به شهروندان جهانی خدمت رسانی کنند.

محدودیت‌های آزادی بیان در دیدگاه ایرانی - اسلامی

در اسلام، آزادی به معنای حقیقی آن وجود دارد و البته بایستی دقت کرد که آزادی در مفهوم غربی آن با آزادی با مفهوم اسلامی آن تفاوت چشمگیری دارند و آزادی بیان اسلامی همان آزادی بیان غربی نیست. در بسیاری امور دیگر و بالاخص در نظام حقوقی حقوق عمومی نیز چنین تفاوت‌هایی عمیقاً به چشم می‌خورند، مثلاً دموکراسی غربی با دموکراسی اسلامی یا مردم‌سالاری دینی تفاوت‌های عمیقی دارند، دموکراسی غربی پیرو اکثریت است لیکن دموکراسی اسلامی براساس پیشرو بودن پایه گذاری شده است و امام امت را به عنوان پیشرو معرفی می‌کند. (صفایی، ۱۳۷۰: ۱۵)

به هر روی در تحلیل مفاهیم بایستی دقت کرد که این مفاهیم در چه ساحتی از اندیشه به کار می‌روند. در دین اسلام احادیث و روایات فراوانی در اهمیت نقد و انتقاد و ضرورت بیان حقایق رسیده است که حکایت از وجود و اهمیت آزادی بیان در صدر اسلام می‌کند. با مراجعه به تاریخ زندگی پیشوایان دین می‌توان دریافت که آنان نه در گفتار؛ بلکه در عمل هم، تا آنجا که به نظم عمومی و اخلاق جامعه آسیب نرساند در برابر افکار مخالف، اصل آزادی بیان را رعایت و ترغیب کرده‌اند.

پیامبر گرامی اسلام(ص) همواره با سعه صدر در برابر آراء و اندیشه‌های مختلف، برخورد می‌کردند و اجازه می‌دادند صاحبان اندیشه، دیدگاه، انتقاد و اعتراض خود را بدون هیچ‌گونه ترس و نگرانی بیان کنند. خداوند در قرآن، آن بزرگوار را شخصیتی مهربان، خوش قلب و مردم‌دار معرفی کرده و می‌فرماید: «لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك»؛ «چنانچه سخت دل و تند خوی بودی، مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند.» سعه صدر، گشاده رویی و اخلاق کریمانه از مهمترین عوامل موفقیت آن پیام آور وحی بود. استاد مطهری در این زمینه می‌گویند: «شما کی در تاریخ عالم دیده‌اید که در مملکتی که همه مردمش احساسات مذهبی دارند به غیر مذهبی‌ها آن اندازه آزادی بدهند که بیایند در مسجد پیامبر(ص) یا در مکه بنشینند و حرف خودشان را آنطور که دلشان می‌خواهد بزنند، خدا را انکار کنند، منکر پیامبری پیامبر شوند، نماز، حج و ... را رد کنند و بگویند ما اینها را قبول نداریم اما معتقدان مذهب با نهایت احترام با آنها برخورد کنند. در تاریخ اسلام از این نمونه‌های درخشان، فراوان می‌بینیم و به دلیل همین آزادی‌ها بود که اسلام توانست باقی بماند. اگر در صدر



اسلام در جواب کسی که می آمد و می گفت من خدا را قبول ندارم، می گفتند بزیند و بکشید، امروز دیگر اسلامی وجود نداشت. اسلام به این دلیل باقی مانده که با شجاعت و با صراحت با افکار مختلفی مواجه شده است...»
تاریخ نویسان موارد بسیار متعددی از وجود آزادی بیان در سیره پیامبر گرامی اسلام(ص) نقل کرده اند؛ به عنوان نمونه، در جریان تقسیم غنایم جنگ «حنین» برخی از انصار اعتراض کردند و انتقاد خود را به وسیله سعد بن عباده به اطلاع پیامبر(ص) رساندند و حتی مردی با تندی، رو به پیامبر(ص) کرد و گفت: «من امروز کارهای شما را دقیقاً مورد بررسی قرار دادم و دیدم در تقسیم غنایم راه عدالت در پیش نگرفتید!» پیامبر(ص) فرمود: «اگر عدالت و انصاف نزد من نیست پس نزد چه کسی است؟» خلیفه دوم از پیامبر (ص) خواست تا اجازه دهد که او را تنبیه کند اما حضرت فرمود رهاش کنید. آنگاه به سعد بن عباده که به نمایندگی از انصار، پیام گله آمیز را منتقل کرد، فرمود: «همه آنان را در یک نقطه جمع کن تا من جریان را برای آنها تشریح کنم...» سخنان منطقی پیامبر (ص)، چنان در دل انصار جای گرفت که همگی گفتند: «ای رسول خدا! ما به قسمت خود راضی هستیم و کوچکترین گله ای نداریم» در واقع رویکردی این چنینی از پیامبر بزرگوار اسلام (ص) نشان از اهمیت آزادی بیان دارد و به نوعی نشان از برخورد بزرگوارانه پیامبر خاتم با آزادی بیان و این مقوله داشته است. (سودمندی، ۱۳۹۴)

حضرت علی (ع) در دوران حکومت خویش بر آزادی مخالفان مذهبی و سیاسی در بیان نظرات، انتقادات و مخالفتها تأکید داشت و می فرمود: «فلا تکلمونی بمانتکم به الجباره و لاتتحفظوا منی بما یتحفظ به عند اهل البادیه و لاتخالطونی بالمصانعه و لاتظنوا بی استتقالاتی فی حق قیل لی»

«آن سان که با جباران سخن می گویند با من سخن مگویید و از من پنهان مدارید آنچه را از مردم خشمگین به هنگام خشمشان پنهان می دارند. همچنین به چاپلوسی و تملق با من رفتار نکنید و مپندارید که گفتن حق بر من گران می آید.» و «فلا تکفوا عن مقاله بحق او مشوره بعدل»؛ «از گفتن سخن حق یا مشورت عدالت آمیز خودداری مکنید.» در سخنی دیگر فریاد و خروش برآوردن در برابر حاکم جائز را برترین جهاد می نامد: «وما اعمال البر کلها والجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف والنهی عن المنکر الا کفنه فی بحر لجی و افضل من ذلک کله کلمه عدل عند امام جائز»؛ «تمام اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر همچون قطره ای است در مقابل یک دریای پهناور و اما از همه اینها مهم تر سخنی است که برای دفاع از عدالت در برابر پیشوای ستمگری گفته می شود.» آن امام همام، در بیان حقوق متقابل حاکم و مردم فرمود: «.. و اما حقی علیکم فالوفاء بالبیعه والنصیحه فی المشهد و المغیب و الاجابه حین ادعو کم و الطاعه حین مرکم»، «.. و اما حقی که من بر گردن شما دارم آن است که در بیعت وفادار باشید و در آشکارا و پنهان خیرخواهی را از دست ندهید و چون فرا میخوانمتان به من پاسخ دهید و چون فرمان می دهم فرمان برید.» نصیحت شامل پیشنهادهای مفید و انتقادهای سازنده است که انجام آن نیازمند وجود آزادی بیان است. همچنین ایشان در عهدنامه حکومتی خویش به مالک اشتر فرمان می دهد: «و أشعر قلبک الرحمه للرحیه و المحبه لهم و اللطف بهم و لاتکونن علیهم سبعاضاریا تغتتم اکلهم...»؛ «دلت را نسبت به توده مردم سرشار از مهربانی و لطف و محبت کن، مبادا چونان حیوان شکاری برای خوردن آنان لحظه شماری کنی بخشی از وقت خود را برای کسانی که به تو نیاز دارند، اختصاص بده و شخصاً به امور آنان رسیدگی کن و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده، فروتن باش، سربازان و یاران و نگهبانان خود را از آنان دور کن تا سخنگوی آنان بتواند بدون اضطراب و لکنت زبان با تو گفتگو کند. من از رسول خدا (ص) بارها شنیدم که می فرمود:

«هرگز امتی را گرامی نخوانند که در آن امت بی آن که بترسند و در گفتار درمانند، حق ناتوان را از زورمندان نستانند.» بالاتر از آن به مالک سفارش می کند: «ثم لیکن أثرهم عندک اقولهم بمر الحق لک»، از میان وزیران و معاونان، آن کس را بر دیگران برگزین که سخن تلخ حق را به تو بیشتر گوید و در آن چه که انجام می دهی و خدا آن را از دوستانش ناپسند دارد کمتر یاری ات کند.» امام علی (ع)، در مدت حکومت خویش در برخورد با خوارج - علی رغم برخوردهای بسیار سخیف و به دور از ادب آنان - تا جایی که تنها در چارچوب اظهار نظر بود، آنان را آزاد می گذاشت و در نهایت سعه صدر و خویشتن داری عمل می کرد.

نتیجه گیری:

آزادی بیان و مفهوم آن، مفهومی است بسیار مهم که شایسته است محدودیت های ناظر بر این مفهوم به صورت کاملاً مشخص در حقوق ایران معین گردند تا مصادیق این حدود در پرتو اسلام محقق گردد، مسئله اساسی آن است که دین اسلام به نیکی و با مذاقه این محدودیتها را بیان کرده است و بدون تشبیه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز در بند ۲ ماده ۱۰ خود به نیکی به مصادیق و محدودیت- های ناظر بر حق آزادی بیان پرداخته است، لیکن مسئله و مفهوم اخلاقیات مردم که پیشتر نیز به آن اشاره شد، نیازمند تبیین و تعیین حقوق سایرین و حفظ اخلاقیات در جوامع اروپایی تدابیری دقیق و مشخص پیرامون این مطلب اتخاذ گردد تا دیگر شاهد اهانت به



مقدسات پیروان تمامی ادیان نباشیم و ضد مسیحیان به مسیحیت و ضد یهودیان به یهودیت اهانتی نکنند و ضد مسلمانان نیز به دین اسلام اهانتی ننمایند. به هر حال تمامی ادیان محترم هستند و اهانت به مقدسات را می توان به عنوان مهمترین محدودیت آزادی بیان عنوان داشت؛ امری که در کنوانسیون و دادگاه اروپایی حقوق بشر آن چنان که بایسته و شایسته می نماید بدان توجه نمی گردد، لیکن از سوی دیگر در دین اسلام اولین و بارزترین مصداق همان ممنوعیت توهین به مقدسات بود که پیش تر نیز اشاره کردیم که مقصود از مقدسات، تمام ادیان الهی است نه صرف یک دین مانند اسلام یا هر دین دیگر، پس امری که اروپاییان کمتر بدان توجه کرده اند، دین اسلام بر آن موضوع بیشتر تاکید کرده و این امر به درستی صورت پذیرفته است. در میان دایره مورد بررسی در مطالب ما می توان اظهار کرد که دین اسلام و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به بیان مصادیق پرداخته اند لیکن از این میان حقوق ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حاوی ایراداتی است که به آنها اشاره کردیم، مانند این که در اصل ۲۴ قانون اساسی ایران صرفاً به آزادی مطبوعات که بخشی از آزادی بیان محسوب می گردد، پرداخته شده است در حالی که ضرورت اقتضا دارد که امر مهمی چون آزادی بیان به درستی و در اصلی جداگانه بیان گردد. ایراد بعدی آن که محدودیت های ناظر بر آزادی بیان (که البته در قانون اساسی همان آزادی مطبوعات و نشریات آمده که محدودتر است) نیز به صورت کلی بیان شده اند، در حالی که جهت اجتناب و خودداری و همچنین پیشگیری از سوءاستفاده هایی احتمالی توقع آن است که مصادیق دقیق مخلّ به مبانی اسلام و مخلّ به حقوق عمومی دقیقاً برشمرده شوند و مبنا و ضابطه تشخیصی نیز به دست داده شود تا با ضابطه ای معین و عینی بدانیم که این محدودیت ها به چه صورت هستند و در چه مواقعی اعمالی می گردند.

با توجه به اصل آزادی افراد و اشخاص و اصل برخورداری از حقوق بنیادین بشر و بسیاری اصول حمایت کننده دیگر در مواقع ایجاد شک در رابطه با اعمال محدودیت بایستی اصل را بر عدم محدودیت گذاشت؛ یعنی هر گاه شک کردیم که آیا معیار الف محدودیتی برای آزادی بیان است یا خیر؟ حکم می کنیم که محدودیتی نیست لیکن اگر دلایلی متقن و استوار برای امری وجود داشته باشد در این حالت معیار الف را به عنوان یک محدودیت عنوان می کنیم؛ بنابراین استدلال، ضرورت تعیین و تشخیص معیارهای اعمال محدودیت های آزادی بیان، بیش از پیش احساس می گردد.

منابع و ماخذ:

احمدی، سیدمحمدصادق و رامین خادم پور (۱۳۹۴) آزادی بیان و محدودیت های آن در حقوق مطبوعات ایران، نخستین کنگره بین المللی حقوق ایران، تهران، مرکز همایشهای توسعه ایران
استوارت میل، جان، (۱۳۶۳) «رسا له دربار آزادی»، ترجمه دکتر جواد شیخ الاسلامی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران،
جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۷۰). تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر (از دیدگاه اسلام و غرب) و تطبیق آن دو بر یکدیگر، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران.
سودمندی، عبدالمجید (۱۳۹۴) معیارهای محدودیت مجاز حق آزادی بیان در نظام بین المللی حقوق بشر، دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق
صفایی، سید حسین (۱۳۷۰) حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۲۷
مهرپور، حسین؛ (۱۳۷۰) دیدگاه اسلام در مورد آزادی عقیده و بیان/ تهران، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۲۷، بهمن،

International Convention on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of their Families, adopted by General Assembly resolution 45/158 of 18 December 1990, came into force on 1 July 2003.

International Covenant on Civil and Political Rights, adopted by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966, came into force on 23 March 1976.